

## سرچشمه‌های احادیث

سید محمدجواد شبیری\*

### چکیده

این مقاله درباره فرازی از یکی از زیارات پیامبر است که با مراجعه به دیگر زیارت‌ها و احادیث معنای آن روشن می‌شود. نویسنده، در این مقاله بر آن است تا روشن سازد که گاهی برای روشن ساختن معنای درست زیارت باید به سرچشمه آنها - که قرآن و برخی از احادیث شیعه است - مراجعه کرد. **کلید واژه‌ها:** زیارت پیامبر، سرچشمه احادیث، قرآن، فقه‌الحدیث.

### درآمد

سال‌ها پیش، هنگامی که نگارنده در کنار تربت پاک پیامبر گرامی اسلام ﷺ به قرائت زیارت مشهور آن حضرت - که از معاویه بن عمار از امام صادق ﷺ نقل شده - می‌پرداخت، عبارتی نامأنوس در این زیارت اندیشه وی را مشغول داشت. گفتگوهای چندی که با دوستان فاضل انجام گرفت، گره این مشکل را نگشود تا به زیارت پیامبر ﷺ در روز شنبه برخورد شد، این زیارت - که بسیار شبیه زیارت فوق است - راه‌حلی قابل توجه در پیش روی نهاد، ولی با بررسی‌های بیشتر این نتیجه به دست آمد که حل این مشکل در گرو توجه به سرچشمه این زیارت است. بدین ترتیب، نگارنده دریافت که روش مراجعه به احادیث مشابه - که سال‌ها با آن آشنا بوده و کارکردهای آن را در بحث‌های سندی و متنی بارها تجربه کرده بود<sup>۱</sup> - باید در سایه شناخت سرچشمه حدیث پیموده گردد.

در بحث‌های حدیثی دیگر، اهمیت این امر و ابعاد آن آشکار شد و نیاز به مقاله یا مقاله‌هایی در تبیین این روش احساس گردید. مقاله حاضر نخستین مقاله از این دست است که با تکیه بر زیارت فوق و با بررسی حدیثی دیگر از حضرت سیدالشهداء ﷺ در صدد روشن ساختن پاره‌ای از زوایای این بحث است.

\* محقق حوزه علمیه قم.

۱. به عنوان نمونه ر. ک: «درنگی در واژه تنقبت در زیارت عاشورا»، مجله علوم حدیث، شماره ۲۱، ص ۴۸.

## آغاز سخن

در بسیاری از احادیث اهل بیت علیهم السلام بر تطابق احادیث با کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله تأکید شده است؛<sup>۲</sup> از جمله در حدیثی از امام صادق علیه السلام در توضیح علت عرضه احادیث بر کتاب و سنت پیامبر و مردود دانستن احادیث مخالف با این دو منبع می‌خوانیم:

فإننا إذا حدّثنا قلنا: قال الله - عزوجل - و قال رسول الله صلی الله علیه و آله.

در ادامه این حدیث از امام رضا علیه السلام نقل شده است:

فإننا إذا حدّثنا، حدّثنا بموافقة القرآن و موافقة السنة، إننا عن الله و عن رسوله نحدّث، و لا نقول: قال فلان و فلان، فیتناقض کلامنا، إن کلام آخرنا مثل کلام اولنا، و کلام اولنا مصداق لکلام آخرنا....

مقاله حاضر، با عنایت به این گونه احادیث، در جستجوی روش یافتن سرچشمه‌های احادیث برآمده و بر اهمیت این امر در شناخت متن درست و دقیق احادیث و فهم ژرف از روایات تأکید می‌ورزد.

نقل زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و اشاره به اشکال آن

در صحیحہ معاویة بن عمار از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که در کنار تربت پیامبر صلی الله علیه و آله و در بالای سر آن حضرت بگو:

[۱] اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمداً عبده و رسوله. [۲] و اشهد انک رسول الله و اشهد انک محمد بن عبدالله. [۳] و اشهد انک قد بلّغت رسالات ربک و نصحت لامتک و جاهدت فی سبیل الله و عدت الله [مخلصاً]، حتی اتاک الیقین بالحکمة و الموعدة الحسنة، و اذیت الذی علیک من الحق و انک قد رؤفت بالمؤمنین و غلظت علی الکافرین. [۴] فبلغ الله بک افضل شرف محلّ المکرمین. [۵] الحمد لله الذی استنقذنا بک من الشریک و الضلالة. [۶] اللهم فاجعل صلواتک و صلوات ملائکتک المقربین و عبادک الصالحین و انبیاءک المرسلین و اهل السماوات و الارضین و من سیح لک یا رب العالمین من الاولین و الآخرین علی محمد عبدک و رسولک و نبیک و امینک و نجیک و حبیبک و صفییک و خاصتک و صفوتک و خیرتک من خلقک. [۷] اللهم اعطه الدرجة و الوسيلة من الجنة، و ابعنه مقاماً محموداً یغبطه به الاولون و الآخرون. [۸] اللهم انک قلت: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا

۲. از جمله ر. ک: الکافی، ج ۱، ص ۹۶-۷۲ (باب الاخذ بالسنة و شواهد الكتاب); بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۲۵ به بعد، باب علل اختلاف الاخبار و کیفیة الجمع بینها و العمل بها...، بویژه ص ۲۲۵، ج ۲؛ ج ۳، ص ۲۲۷، ج ۴؛ ج ۵، ص ۲۳۳، ج ۱۵، ص ۲۳۵، ج ۲۰، ص ۲۴۲، ص ۳۷ تا ص ۲۴۳، ج ۲۴۴، ص ۴۸-۵۲، حدیث مشهور نقلین نیز به همین امر نظر دارد.  
۳. رجال الکشی، ص ۲۲۴، ش ۴۰۱ و به نقل از آن در بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۴۹، ج ۶۲.

أَنْفُسُهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا». [۹] و آتی  
 اتیت نبیک مستغفراً تائباً من ذنوبی و آتی اتوجه بک الی الله ربی و ربک لیغفر لی ذنوبی.<sup>۴</sup>

اشکال ما در بند سوم است؛ جار و مجرور «بالحکمة و الموعظة الحسنه» با فعل نزدیک آن «اتاک الیقین» ارتباط معنایی ندارد؛ ارتباط معنایی این عبارت با فعل «عبدت» هم چندان وثیق نیست و دشوار است که این جار و مجرور را متعلق به این فعل بدانیم. مرحوم علامه مجلسی در *مرآة العقول* در توضیح «بالحکمة» می‌فرماید:

حال عن فاعل (عبدت)، او (جاهدت)، و الاول اقرب لفظاً، والثانی معنی.<sup>۵</sup>

مرحوم ملا محمد تقی مجلسی در *روضه‌المتقین* جار و مجرور را متعلق به «بَلَّغْتَ» دانسته است.<sup>۶</sup> مرحوم فیض کاشانی در *الروافی* جار و مجرور را متعلق به سه فعل «بَلَّغْتَ» و «نصحت» و «جاهدت» گرفته است،<sup>۷</sup> ولی این سؤال مطرح است که بر فرض درستی این سخن، چرا بین فعل و متعلق آن فاصله افتاده است.

نگارنده برای پاسخ به این گونه سؤالات در جستجوی روایات مشابه برآمده، دریافت که شبیه‌ترین زیارت به این زیارت، زیارت پیامبر ﷺ در روز شنبه است.

### نقل زیارت پیامبر اکرم ﷺ در روز شنبه

مرحوم سید بن طاووس در *جمال‌الاسبوع* زیارتی برای پیامبر ﷺ در روز شنبه نقل کرده که تقریباً همین زیارت است، با چند بند افزوده. در اینجا قسمت مشترک این زیارت آورده شده، به تفاوت‌های مهم آنها اشاره می‌شود:

[۱] أشهد ان لا اله الا الله لا شریک له.

[۲] و أشهد أنك رسولہ و أنك محمد بن عبدالله.

[۳] و أشهد أنك قد بلغت رسالات ربک و نصحت لامتك و جاهدت فی سبیل الله بالحکمة و الموعظة الحسنه و اذیت الذی علیک من الحق و أنك قد رؤفت بالمؤمنین و غلظت علی الکافرین و عبدت الله مخلصاً حتی اتاک الیقین.

۴. *الکافی*، ج ۴، ص ۵۵۰، ۱۶ (و به نقل از آن در *التهذیب*، ج ۶ ص ۵، ۸؛ *وسائل الشیعه*، ج ۱۴، ص ۲۴۱، ح ۱۹۲۵۲، باب ۶ از ابواب المزار، ح ۱) و نظیر آن در *کامل‌الزیارات*، ج ۳، ص ۱۶ (و به نقل از آن در *بحارالانوار*، ج ۱۰، ص ۱۵۰، ح ۱۷)؛ *مصباح‌المتهجد*، ص ۷۰۹ (و به نقل از آن در *البلدالامین*، ص ۲۷۶ و *مصباح‌الکفعمی*، ص ۴۷۲).

۵. *مرآة العقول*، ج ۱۸، ص ۲۶۰.

۶. *روضه‌المتقین*، ج ۵، ص ۳۲۶.

۷. در حاشیه *الکافی*، ج ۴، ص ۵۵۰ این مطلب به نقل از *مرآة العقول* ذکر شده، ولی چنین مطلبی در *مرآة العقول* ذکر نشده است، بلکه در *الروافی*، ج ۱۴ (الجزء الثامن، القسم الثالث)، ص ۱۳۴۹ آمده است، در ادامه کلام ایشان سخنی آمده که پس از این به آن اشاره خواهیم کرد.

[۴] فبلغ الله بك اشرف محل المکرمن.

[۵] الحمد لله الذی استنقذنا بک من الشرک و الضلال.

[۶] اللهم صل علی محمد و آله و اجعل صلواتک و صلوات ملائکتک و انبیائک و المرسلین و عبادک الصالحین و اهل السماوات و الارضین و من سیح لک یا رب العالمین من الاولین و الآخرین علی محمد عبدک و رسولک و نبیک و امینک و نجیک و حبیبک و صغیرک و صفیک و صفتک و خاصتک و خالصتک و خیرتک من خلقک.

[۷] و اعطه الفضل و الفضیلة و الوسیلة و الدرجة الرفیعة و ابعشه مقاماً محموداً یغبطه به الاولون و الآخرون.

[۸] اللهم انک قلت «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا».

[۹] اهی فقد اتیت نبیک مستغفراً تائباً من ذنوبی فصل علی محمد و آله و اغفرها لی، یا سیدنا، اتوجه بک و باهل بیتک الی الله تعالی ربک و ربی لیغفر لی.<sup>۸</sup>

پس از این بندهای افزوده این زیارت آغاز می‌شود که از ذکر آن درمی‌گذریم.

#### مقایسه دو زیارت

ما در اینجا نخست به بیشتر تفاوت‌های این دو زیارت در بندهای نه‌گانه (بجز بند سوم) اشاره کرده، سپس به بند سوم - که محل اشکال است - پرداخته، راه‌حلی برای حل اشکال در این زیارت ارائه می‌دهیم.

در بند اول، در زیارت دوم، شهادت دوم ذکر نشده است.

در بند دوم، رسول‌الله به رسوله تبدیل شده است.

در بند چهارم، «افضل شرف» به اشرف تبدیل شده است که نقل زیارت دوم مأنوس‌تر است.

در بند پنجم، الضلالة به الضلال بدل شده که یا از باب نقل به معناست یا تحریف لفظی به جهت

شبهت این دو واژه در کتابت (البته این احتمال قوی‌تر به نظر می‌آید).

در بند ششم، در زیارت دوم، صلواتی در آغاز افزوده شده، واژه المقربین افتاده که ظاهراً در اصل

زیارت بوده و به جای انبیائک المرسلین، انبیائک و المرسلین آمده که عبارت نخست بهتر به نظر می‌آید؛

عبادک الصالحین هم پس از انبیاءک آمده که صحیح‌تر است.

به جای نجیک، نجیبک آمده که یکی محرف دیگری است. در پاره‌ای از اوصاف پیامبر جابه‌جایی رخ

داده و وصف خالصتک افزوده شده که ممکن است نسخه بدل خالصتک باشد که با نسخه اصلی به متن

زیارت راه یافته است.

در بند هفتم، «الفضل و الفضيلة» افزوده شده و جابه‌جایی بین الوسيلة و الدرجة رخ داده و به جای «الدرجة من الجنة»، الدرجة الرفیعة ذکر شده که احتمالاً یکی از آنها تحریف لفظی دیگر به جهت شباهت آنها در کتابت است.

در بند نهم، صلواتی افزوده شده، و تعبیر «یا سیدنا» و «باهل بیتک» و «تعالی» اضافه شده است.

### مقایسه بند سوم دو زیارت

در بند سوم، یک جابه‌جایی مهم در جملات صورت گرفته است؛ جمله: «عبدت الله مخلصاً حتى اتاک الیقین» به آخر بند منتقل شده است.

بدین ترتیب، می‌توان جار و مجرور را متعلق به فعل «جاهدت» دانست و یا آن را به هر سه فعل «بلغت» و «نصحت» و «جاهدت» مرتبط ساخت؛ بدون این‌که با مشکل فاصله افتادن بین فعل و جار و مجرور روبه‌رو شویم.

زیارت‌های مشابه دیگری وجود دارد که توجه به آنها برای حل درست این اشکال لازم است.

### زیارت مشابه سوم

مرحوم سید بن طاوس زیارت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل کرده که در زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از راه دور خوانده می‌شود و قطعات چندی از آن با قطعات زیارت بالا شباهت دارد، بویژه با سه قطعه سوم تا پنجم که در اینجا نقل می‌کنیم:

- [۳] اشهد یا رسول الله مع کل شاهد و تحملها عن کل جاحد انک قد بلغت رسالات ربک و نصحت لامتک و جاهدت فی سبیل ربک و صدعت بامرہ و احتملت الأذى فی جنبه و دعوت الی سبیلہ بالحکمة و الموعظة الحسنة الجميلة و اذیت الحق الأذى کان علیک و انک قد رؤفت علی المؤمنین [بالمؤمنین]<sup>۱</sup> و غلظت علی الکافرين و عبدت الله مخلصاً حتى اتاک الیقین.
- [۴] فبلغ الله بک اشرف محل المکرمین و اعلى منازل المقرین و ارفع درجات المرسلین حیث لا یلحقک لاحق و لا یفوتک فاتق و لا یسبقک سابق و لا یطمع فی ادراکک طامع.
- [۵] الحمد لله الّذی استقذنا بک من الهلکة و هدانا بک من الضلالة و نورنا بک من الظلمات [الظلمة]...<sup>۱۰</sup>

این زیارت عبارتهای چندی بر زیارت مورد بحث افزوده دارد که از محل بحث ما برکنار است، نکته مهم در این زیارت، افزودن «دعوت الی سبیلہ» پیش از بالحکمة و الموعظة الحسنة است، و مؤخر آوردن «عبدت الله مخلصاً حتى اتاک الیقین»؛ همچون زیارت روز شنبه.

۹. در بحارالانوار «قد رؤفت بالمؤمنین» ذکر شده است که همین امر صحیح به نظر می‌آید، این قطعه از آیه شریفه (لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ) [سوره توبه، آیه ۱۲۸] برگرفته شده است.

۱۰. اقبال، ص ۶۰۴ و به نقل از آن در بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۸۳.

## زیارت مشابه چهارم

مرحوم علامه مجلسی، پس از نقل زیارتی از پیامبر ﷺ - که پس از این نقل خواهیم کرد (زیارت مشابه پنجم) - اشاره می‌کند که در «نسخه قدیمة من مؤلفات بعض اصحابنا» این زیارت را با اختلافات بسیار نقل کرده است. وی سپس به نقل این زیارت پرداخته است. در این زیارت هم تعبیر زیارت مورد بحث، با زیادات بسیار، نقل شده است. ما برای نمونه به نقل قطعه مشابه این زیارت با بندهای سوم تا پنجم می‌پردازیم:

[۳] أشهد أنك قد بلغت الرسالة و اذيت الامانة و نصحت لامتك و دعوت الی سبیل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنة و جاهدت فی الله حق جهاده و عبدت الله مخلصاً حتی اتاك الیقین و أنك صدعت بامر ربك و اذيت الّذی كان علیك من الحق و أنك قد رؤفت بالمؤمنین و غلظت علی الكافرین.

[۴] فبلغ الله بك اشرف محل المكرمین و ارفع درجات المرسلین و صلى الله علیك و علی آلك الطاهرین.

[۵] الحمد لله الّذی استنقذنا بك من الشرك الی الاسلام و من الكفر الی الایمان و من الضلالة الی الهدی...<sup>۱۱</sup>

در این زیارت نیز «دعوت الی سبیل ربك» قبل از «بالحكمة و الموعظة الحسنة» به جملات زیارت افزوده شده است.

## سرچشمه زیارت‌ها

همچنان که مرحوم فیض کاشانی در *الوائفی* اشاره فرموده،<sup>۱۲</sup> تعبیر مورد بحث ما برگرفته از آیه شریفه: **«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»**<sup>۱۳</sup> است.

بی‌تردید، در عبارت روایت معاریة بن عمار افتادگی رخ داده و عبارت صحیح به شکلی است که مرحوم صدوق در کتاب *من لا یحضره الفقیه* بدون انتساب به روایت آورده است. وی همین زیارت را با همین ترتیب نقل کرده و تنها پس از «حتی اتاك الیقین» عبارت: و دعوت الی سبیل ربك را افزوده است.<sup>۱۴</sup> با این افزوده مشکل زیارت به آسانی حل می‌گردد.

البته چنانچه جمله «عبدت الله مخلصاً حتی اتاك الیقین»؛ همچون دو زیارت مشابه دیگر (زیارت دوم و سوم)، مؤخر آورده شود، عبارت سلیس‌تر می‌گردد.

۱۱. بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۶۹.

۱۲. الوائفی، ج ۱۴ (الجزء الثامن، القسم الثالث)، ص ۱۳۴۹.

۱۳. سوره نحل، آیه ۱۲۵.

۱۴. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۶۵.

افعال دیگری هم که در این بند وارد شده، همگی ریشه قرآنی دارند؛ فعل جهاد به همراه سبیل در آیات چندی وارد شده است؛<sup>۱۵</sup> فعل تبلیغ یا ابلاغ رسالت به همراه فعل نصح یا مشتقات آن در چند آیه وارد شده، ولی در هیچ یک جار و مجرور «بالحکمة و الموعدة الحسنة» دیده نمی‌شود. به این چند آیه توجه فرمایید:

﴿أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ﴾.<sup>۱۶</sup>

﴿أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ﴾.<sup>۱۷</sup>

﴿قَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ﴾.<sup>۱۸</sup>

جمله دیگر این بند، «و عبدت الله [مخلصاً] حتى اتاك اليقين» هم برگرفته از آیه ﴿وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾<sup>۱۹</sup> است.

گفتنی است که بند سوم مورد بحث ما در دو زیارت دیگر هم وارد شده که در آنها جمله «بالحکمة و الموعدة الحسنة» ذکر نشده، لذا برای یافتن آنها باید از دیگر تعابیر این سند یاری گرفت؛ لذا تأکید بر این نکته مفید است که برای یافتن روایات مشابه نباید به یک تعبیر بسنده کرد، بلکه تعبیرهای گوناگون را در کنار هم به کار گرفت تا مجموعه روایات مشابه را - که به گونه زنجیره‌ای با یکدیگر ارتباط دارند - پیدا کرد.

برای تکمیل بحث ما نقل پاره‌ای از این دو زیارت مفید است:

#### زیارت مشابه پنجم

در *بحار الانوار* زیارت دیگری برای پیامبر اکرم ﷺ نقل شده که به طور صریح، به روایت نسبت داده نشده است. این زیارت با زیارتی که پیش‌تر به عنوان زیارت مشابه چهارم نقل کردیم، شباهت بسیار دارد و تفاوت مهم آن دو - که در این بحث تأثیر دارد - نیامدن «بالحکمة و الموعدة الحسنة» است. ما در اینجا به نقل بند مشابه با بند سوم زیارت مورد بحث اکتفا می‌کنیم:

اشهد أنك قد بلغت رسالات ربك و نصحت لامتك و جاهدت في سبيل الله حق جهاده داعياً الى طاعته زاجراً عن معصيته و أنك لم تزل بالمومنين رؤوفاً رحيماً و على الكافرين غليظاً حتى اتاك اليقين.<sup>۲۰</sup>

۱۵. سوره بقره، آیه ۲۱۸؛ سوره نساء، آیه ۹۵؛ سوره مائده، آیه ۳۵ و ۵۴؛ سوره انفال، آیه ۷۲ و ۷۴؛ سوره توبه، آیه ۱۹ و ۲۰ و ۲۴ و ۴۱ و ۵۱؛ سوره حجرات، آیه ۱۵؛ سوره ممتحنه، آیه ۱؛ سوره صف، آیه ۱۱.

۱۶. سوره اعراف، آیه ۶۲

۱۷. سوره اعراف، آیه ۶۸

۱۸. سوره اعراف، آیه ۷۹

۱۹. سوره حجر، آیه ۹۹

۲۰. *بحار الانوار*، ج ۱۰، ص ۱۶۰.

## زیارت مشابه ششم

در *کامل الزیارات*، به نقل از ابراهیم بن ابی البلاد، از ابوالحسن علیه السلام [گویا مراد امام کاظم علیه السلام باشد] زیارتی برای پیامبر نقل کرده که در پاره‌ای از جملات با زیارت مورد بحث تشابه دارد؛ از جمله با بند سوم مورد بحث ما:

اشهد انک قد بلغت رسالات ربک و نصحت لامنک و جاهدت فی سبیل ربک و عیدته حتی اتاک الیقین و آدبت الذی علیک من الحق.<sup>۲۱</sup>

نکته جالب در این زیارت و زیارت پیشین، این است که افعال دیگری که از سوی شارحان حدیث در زیارت مورد بحث ما به عنوان متعلق جار و مجرور ذکر شده‌اند، یعنی فعل «بلغت» و «نصحت» و «جاهدت»، در هر دو زیارت، و فعل «عیدته» در زیارت اخیر ذکر شده، ولی جار و مجرور «بالحکمة و الموعظة الحسنة» به همراه آنها نیست. این امر، مؤید این معناست که جار و مجرور به این افعال تعلق ندارد.

در اینجا مناسب است با نقل روایات دیگری که از آیه مورد بحث گرفته شده، خانواده بزرگ‌تری از احادیث مشابه را پیش روی خوانندگان قرار دهیم.

## روایات دیگر برگرفته از آیه ۱۲۵ سوره نحل

آیه مورد نظر در بحث ما سرچشمه احادیث بسیاری بوده است. ما به پاره‌ای از این احادیث اشاره می‌کنیم. در این اقتباس‌ها جمله «بالحکمة و الموعظة الحسنة» به فعل دعا و مشتقات آن تعلق دارد. در اینجا تذکر این نکته مفید است در احادیثی که از این آیه سیراب گشته‌اند و از تعبیر آن بهره‌مند شده‌اند، فعل جمله، به تناسب مقام، با فعل آیه تفاوت دارد. همچنین، این احادیث در آوردن سبیل و نیاوردن آن تفاوت دارند؛ کیفیت اشاره به نام خداوند هم در این احادیث یکسان نیست. نقطه اشتراک این احادیث در تعبیر «بالحکمة و الموعظة الحسنة» است، برای یافتن سرچشمه احادیث و دست‌یابی به احادیث هم خانواده که از یک سرچشمه سیراب شده‌اند. باید به این‌گونه تفاوت‌ها توجه داشت و نقطه اشتراک احادیث هم خانواده و سرچشمه قرآنی آنها را به درستی به دست آورد.

حال به برخی از احادیث برگرفته از آیه فوق اشاره می‌کنیم:

۱.

الامام یحییٰ حلال الله و یحرم حرام الله... و يدعو الی سبیل ربه بالحکمة و الموعظة الحسنة و

الحجة البالغة...<sup>۲۲</sup>

۲۱. *کامل الزیارات*، ج ۳، ص ۵. (و به نقل از آن در *المزار مفید*، ص ۱۷۳، ج ۱ و *بحار الانوار*، ج ۱۰۰، ص ۱۵۴).

۲۲. *الکافی*، ج ۱، ص ۱۹۸، ج ۱ (و به نقل از آن در *الفیة نعمانی*، ص ۲۱۸)؛ *الامالی صدوق*، مجلس ۹۷، ج ۱؛ *عیون اخبار الرضا* علیه السلام

ص ۲۱۶، ج ۱؛ *کمال‌الدین*، ص ۶۷۷، ج ۳۲؛ *معانی الاخبار*، ص ۹۸، ج ۲ (و به نقل از *کتب صدوق در بحار الانوار*، ج ۲۵، ص ۱۲۰،

ج ۴)؛ *الاحتجاج*، ج ۲، ص ۴۴۲؛ *تحف العقول*، ص ۴۳۶.



۲. در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام:

أشهد أنك قد اقامت الصلاة... وجاهدت في الله حتى جهاده و دعوت الى سبيله بالحكمة و  
الموعظة الحسنة حتى اتاك اليقين.<sup>۲۳</sup>

۳. در زیارت سيدالشهداء علیه السلام:

أشهد أنك قد اقامت الصلاة... و دعوت الى سبيل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنة.<sup>۲۴</sup>

و نظير آن در برخی زیارات ديگر هم آمده است.<sup>۲۵</sup>  
شبيهه اين عبارت، با افزودن «و عبدت الله مخلصاً حتى اتاك اليقين» در زیارت امام عسکری علیه السلام هم  
وارد شده است.<sup>۲۶</sup>

۴. در زیارت امام حسين علیه السلام در روز عيد فطر:

أشهد أنك التالي لكتاب الله و امين الله و الداعي الى الله بالحكمة و الموعظة الحسنة.<sup>۲۷</sup>

۵. در خطبه حضرت صديقه طاهره علیها السلام:

اعلموا أني فاطمة و ابی محمد... فبلغ الرسالة... داعياً الى سبيل ربه بالحكمة و الموعظة  
الحسنة...<sup>۲۸</sup>

۶. در زیارت آن حضرت:

أنا يا مولاتي بك و بابيك و بعلك و الائمة من ولده موفق... أشهد ان الدين دينهم و الحكم  
حكمتهم و أنهم قد بلغوا عن الله عز و جل و دعوا الى سبيل الله بالحكمة و الموعظة الحسنة...<sup>۲۹</sup>

۷. در زیارت جامعه كبرى:

و دعوتهم الى سبيله بالحكمة و الموعظة الحسنة...<sup>۳۰</sup>

۲۳. الكافي، ج ۴، ص ۵۷۰، ح ۱ (و به نقل از آن در التهذيب، ج ۶، ص ۲۹، ح ۵۶، و نظير آن در بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۹۳ و ۳۲۵).

۲۴. الكافي، ج ۴، ص ۵۷۴، ح ۱؛ كامل الزيارات، ج ۷۹، ح ۳ (و به نقل از آن در بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۵۹).

۲۵. كامل الزيارات، ج ۷۹، ح ۶ و ذيل آن (و به نقل از آن در بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۶۵، ح ۱۲ و ۱۳)؛ همان باب، ج ۹ (و به نقل از  
آن در بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۶۶، ح ۱۵)؛ باب ۱۰۴، ح ۲ (و به نقل از آن در بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۶۰)؛ بحارالانوار، ج ۱۰۰،  
ص ۳۲۵، به نقل از كتاب عتيق مخرومي، ج ۱۰۱، ص ۲۶۱، به نقل از «نسخة قديمة من مؤلفات اصحابنا».

۲۶. بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۶۷.

۲۷. البلبلدالامين، ص ۲۸۷؛ بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۵۹ و ۳۵۲.

۲۸. در مصادر بسيار از جمله: الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۵۹ (و به نقل از آن در بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۲۲۳)؛ دلانسل الامامة، ص ۱۱۴؛  
الشافعي سيد مرتضى، ج ۴، ص ۶۹ (و به نقل از آن در شرح نهج البلاغه ابن ابى الحديد، ج ۱۶، ص ۲۴۹)؛ طرانسف، ج ۱، ص ۲۶۳؛  
كشف الغمة، ج ۱، ص ۴۸۵.

۲۹. اقبال، ص ۱۲۴ (و به نقل از آن در بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۹۹، ح ۲۰).

۸. در زیارت جامعه دیگر:

فصدع عليه السلام بامر ربه و بلغ ما حملته و نصح لامته وجاهد في سبيل ربه و دعا اليه بالحكمة و  
الموعظة الحسنة و صبر على ما اصابه في جنبه و عبده صادقاً حتى اتاه اليقين...

۹. در صلوات بر معصومان، در صلوات بر امام رضا عليه السلام:

و دعا الي سبيلك بالحكمة و الموعظة الحسنة.<sup>۳۱</sup>

۱۰.

القرآن امام هاد و له قائد يهدي به و يدعو اليه بالحكمة و الموعظة الحسنة.<sup>۳۲</sup>

۱۱. در نامه حضرت امير عليه السلام به محمد بن أبي بكر:

فأصحر لعدوك و شمّر للحرب و ادع الي سبيل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنة.<sup>۳۳</sup>

۱۲. در وصف حضرت مهدي عليه السلام به نقل از امام صادق عليه السلام:

قال المفضل: فما يصنع باهل مكة؟ قال: يدعوهم بالحكمة و الموعظة الحسنة.<sup>۳۴</sup>

۱۳. در صلوات بر پیامبر و آل وی در وصف آل آن حضرت:

و على آله مصابيح الظلام و... و سدّدوا عقود حنك بمواالهم من والاك و معاداتهم من  
عاداك و صبرهم على ما اصابهم في محبتك و دعائهم بالحكمة و الموعظة الحسنة الي  
سبيلك.<sup>۳۵</sup>

۱۴. در دعا و صلوات بر پیامبر عليه السلام:

اللهم انّ محمداً عليه السلام كما وصفته في كتابك... و دعا الي سبيلك بالحكمة و الموعظة الحسنة و  
عبدك مخلصاً حتى اتاه اليقين...<sup>۳۶</sup>

۳۰. كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۰۹ ح ۳۲۱۳؛ عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۲.

۳۱. مصباح المتعجب، ص ۴۰۲؛ جمال الاسبوع، ص ۴۹۰ (و به نقل از آن در بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۷۶)، و نیز ر.ک: البلد الامين، ص ۲۰۴؛ بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۲۵.

۳۲. خصائص الائمة، ص ۷۵ (و به نقل با واسطه از آن در بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۸۶، ح ۳۱).

۳۳. الفارات، ج ۱، ص ۱۷۱ (و به نقل از آن در شرح ابن ابي الحديد بر نهج البلاغة، ج ۶، ص ۷۸ و بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۵۵۶).

۳۴. الهداية الكبرى، ص ۳۹۹؛ بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱ (لفظ متن را از بحار آورده ايم).

۳۵. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۳۳۸، ج ۱۰۲، ص ۳۱۸ به نقل از اصل قديم من مؤلفات اصحابنا.

۳۶. جمال الاسبوع، ص ۴۷۱ به نقل از كتاب ابن عقده درباره مشايخ شيعه (احتمالاً مراد، كتاب الرجال ابن عقده است كه در آن اصحاب امام صادق عليه السلام را جمع آوري کرده، و روايت هر يك را آورده است. ر.ک: رجال الطوسي، ص ۱۷؛ الرجال علامه حلي، ص ۲۰۴؛ رجال النجاشي، ص ۹۴، ش ۲۳۳) و به نقل از جمال الاسبوع در بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۸۲ و به نقل از اصل قديم من

در روایات دیگری هم از این آیه اقتباس شده که در اکثر قریب به اتفاق آنها عبارت «بالحکمة و الموعظة الحسنة» به مشتقات «دعوة» تعلق یافته است.<sup>۳۷</sup> در پاره‌ای از روایات هم صریحاً این آیه نقل شده است.<sup>۳۸</sup>

تنها در چند روایت این جار و مجرور به فعل دیگری مرتبط شده که احتمال تحریف در آنها منتفی نیست:

نخست، در زیارتی از امام حسین علیه السلام:

أشهد أنك قد اتمت الصلاة و... و جاهدت في سبيل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنة...<sup>۳۹</sup>

در این زیارت - که با مورد سوم پیش گفته و زیارات مشابهی که در ذیل آن یاد شد - شباهت زیادی دارد، احتمال تحریف بسیار است.

دوم، در زیارت مبسوطی از آن حضرت علیه السلام:

أشهد أنك قد بلغت و نصحت و وفيت و جاهدت في سبيل الله بالحكمة و الموعظة الحسنة و

مضيت للذی كنت عليه شهيداً [شاهداً] و مستشهداً و مشهوداً...<sup>۴۰</sup>

احتمال تحریف در این زیارت نیز، با عنایت به زیارت‌های مشابه، جدی است.<sup>۴۱</sup> سوم، در زیارت امام مهدی علیه السلام که به روایت نسبت داده نشده است، در وصف آن حضرت:

الصاعد بالحكمة و الموعظة الحسنة.<sup>۴۲</sup>

مؤلفات قدماء اصحابنا: «اخبرنا احمد بن محمد بن سعيد»، در بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۴۳، و نیز ر.ک: بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۳۳۶ و ج ۱۰۲، ص ۳۱۶.

۳۷. یا عبارت: «الداعون الى سبيل الله بالحكمة و الموعظة الحسنة» (بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۸۷)، یا «دعوت الى الله بالحكمة و الموعظة الحسنة» (بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۳۹ و ص ۲۲۰ احتمالاً از سيد مرتضى)، یا «انك دعوت الى الحق و الى سبيل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنة» (بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۶۸) و نیز در نامه محمد بن ابی بكر به معاویه (وقعة صفين، ص ۱۱۸، و به نقل از آن در شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۱۸۸، و نیز الاحتجاج، ج ۱، ص ۴۳۴ و به نقل از آن در بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۵۷۶، ج ۷۲۳).

۳۸. الكافي، ج ۵، ص ۱۳، ج ۱ (و به نقل از آن در التهذيب، ج ۶، ص ۱۲۷، ج ۲۲۴، رسائل الشيعة، ج ۱۵، ص ۳۴، ج ۱۹۹۴۹، باب ۹ از ابواب جهاد العدو، ج ۱، و نیز ر.ک: دعوات الاسلام، ج ۱، ص ۳۳۹؛ تفسير منسوب به امام حسن عسكري علیه السلام، ص ۵۲۷، و به نقل از آن در الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۳ و به نقل از الاحتجاج در بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۲۵، ج ۲ و به نقل از تفسير در ج ۹، ص ۲۵۵، ج ۱ و ج ۷۳، ص ۴۰۲).

۳۹. كامل الزيارات، ج ۱، ص ۷۹، ج ۱۲ (و به نقل از آن در بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۷۱).

۴۰. كامل الزيارات، ج ۱، ص ۷۹، ج ۱۷ (و به نقل از آن در بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۸۲).

۴۱. تغيير «مضيت للذی كنت عليه شهيداً» در برخی زیارات دیگر دیده می‌شود. این زیارت‌ها با زیارت مورد نظر، شباهت بسیار دارند. در این زیارت‌ها پس از «جاهدت»، عبارت «بالحكمة و الموعظة الحسنة» دیده نمی‌شود. لذا بعيد نمی‌نماید که این تعبیر در این زیارت زاید باشد؛ ر.ک: الكافي، ج ۴، ص ۵۷۵، ج ۲ (و به نقل از آن در التهذيب، ج ۶، ص ۵۵، ج ۱۳۱؛ رسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۴۹۰، ج ۱۹۶۷۲، كتاب الحج، ابواب المزار، ج ۲، ص ۶۲، ج ۱)؛ كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۹۴، ج ۳۱۹۹، كامل الزيارات، ج ۱، ص ۷۹، ج ۲ (و به نقل از آن در بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۵۱).

۴۲. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۰۱.

## تکمیل پرونده احادیث برگرفته از آیه فوق

نگارنده برای یافتن احادیثی که از آیه مورد بحث برگرفته است، از تعبیر «بالحکمة و الموعظة الحسنة» و برخی تعابیر دیگر در جستجوی لفظی بهره گرفت، ولی این احتمال وجود داشت که شاید حرف جرّ بآء در پاره‌ای روایات با کلمه «الحکمة» همراه نشده باشد، لذا با جستجوی «الموعظة الحسنة» به دنبال یافتن دیگر روایات مشابه برآمد. با این جستجو دو متن زیر به دست آمد:

۱. در نهج البلاغه در وصف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله:

فَبَالِغٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي النَّصِيحَةِ وَ مَضَى عَلَى الطَّرِيقَةِ وَ دَعَا إِلَى الْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ.<sup>۴۳</sup>

در این متن، اشکالی به خاطر می‌رسد؛ بنابر آیه قرآن، حکمت و موعظه حسنه وسیله دعوت است، نه هدف دعوت. لذا برخی از شارحان حدیث در صدد تأویل آن و هماهنگ‌سازی آن با آیه فوق برآمده‌اند: ابن میثم در شرح این عبارت آورده است:

دعوته الى الحكمة و الموعظة هي دعوته الى سبيل الله بها امثالاً لقوله تعالى: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾.<sup>۴۴</sup>

ولی احتمال وقوع تحریف در این متن را نباید از نظر دور دانست.<sup>۴۵</sup>

۲. در نامه مأمون به امام رضا علیه السلام در وصف پیامبر صلی الله علیه و آله:

فَبَلَّغَ عَنْ اللَّهِ رِسَالَتَهُ وَ دَعَا إِلَى سَبِيلِهِ بِمَا أَمَرَ بِهِ مِنَ الْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ الْمَجَادَلَةَ بِأَلْسِنَةِ هِيَ أَحْسَنُ ثُمَّ بِالْجِهَادِ وَ الْغَلْظَةِ.<sup>۴۶</sup>

در اینجا نقل روایت دیگری مفید است که در آن، در لابه‌لای «بالحکمة و الموعظة الحسنة»، کلمه «البالغة» افزوده شده است. لذا این متن در جستجوی عبارتی «بالحکمة و الموعظة الحسنة» به دست نمی‌آید، بلکه جستجوی ترکیبی «بالحکمة» و «الموعظة الحسنة» برای یافتن روایت کارساز است. در زیرتاری جامعه خطاب به امام معصوم علیه السلام گفته می‌شود:

... و دعوت الى الله بالحكمة البالغة و الموعظة الحسنة.

آنچه تاکنون آوردیم، درباره حدیثی بود که سرچشمه قرآنی داشت. حال، به بررسی حدیثی از حضرت سیدالشهداء علیه السلام می‌پردازیم که در سنت ریشه دارد.

۴۳. نهج البلاغه، خ ۹۵؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۷، ص ۶۶؛ بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۱۹.

۴۴. شرح نهج البلاغه ابن میثم، ج ۲، ص ۴۰۰ و نظیر آن در منهاج البراهة، ج ۷، ص ۱۱۴.

۴۵. محقق شوشتری در بهج الصیافة، ج ۲، ص ۱۹۶ در هنگام تفسیر این سخن، آن را به این شکل نقل کرده است: «و دعا الى الله بالحکمة و الموعظة الحسنة» و سپس به آیه قرآن اشاره کرده است. این متن محرف، گویا از این جهت بر قلم این محقق جاری شده که تحریف عبارت اصلی در ارتکاز ذهنی ایشان جا گرفته بوده است.

۴۶. كشف الغمة، ج ۲، ص ۳۳۲ (و به نقل از آن در بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۱۴۸).

## نقل کلام حضرت امام حسین سیدالشهداء علیه السلام و توضیح درباره مفاد آن

... انّ الناس عبید الدنیا، و الدین لعق علی السنتمهم بموطونه ما درت معایشهم، فاذا محصوا  
بالبلاء قتل الدیانون.<sup>۴۷</sup>

در این حدیث شریف، عبارت «الدین لعق علی السنتمهم» نیازمند تفسیر است. مراد از واژه لعق چیست و تناسب کاربرد آن در این عبارت کلام است؟ نگارنده، برای فهم دقیق این عبارت، به روایاتی که در آن واژه «لعق» (به همین شکل) به کار رفته مراجعه کرده، با دیدن روایات مربوط به «لعق الاصابع»<sup>۴۸</sup>، «لعق الصحفة»<sup>۴۹</sup>، «لعق القصعة»<sup>۵۰</sup> دریافت که لعق به معنای لیسیدن است؛ چنان که ابن اثیر هم در *النهاية* به این معنا اشاره می‌کند:

لعق الاصابع و الصحفة: لطم ما علیها من اثر الطعام.<sup>۵۱</sup>

ولی این روایات به فهم حدیث فوق و دریافت وجه تشبیه در این حدیث کمک چندانی نکرد. در ضمن جستجو به روایاتی که در آن واژه‌های مرتبط با «لعق» به کار رفته مراجعه شد و به این عبارت از *نهج البلاغه* برخورد شد که حضرت درباره مروان بن الحکم فرموده‌اند:

انّ له امره کلعقة الکلب انفه.<sup>۵۲</sup>

شارحان *نهج البلاغه* وجه تشبیه را کوتاهی مدت حکومت مروان دانسته‌اند.<sup>۵۳</sup> تعبیر دیگری هم در نامه آن حضرت به اهل بصره وارد شده است:

لا وقرن بکم وقعة لا یكون یوم الجمل لیهما الا کلعقة لاعق.<sup>۵۴</sup>

۴۷. در *تحف العقول*، ص ۲۴۵ (و به نقل از آن در *بحار الانوار*، ج ۸۷، ص ۱۱۶) ایراد این سخن را در مسیر کربلا دانسته است، ولی به نقل *مقتل خوارزمی*، ص ۳۳۷ (ر.ک: *بحار الانوار*، ج ۴۴، ص ۲۸۳) حضرت این کلام را خطاب به اصحاب خود در هنگام ورود به کربلا ایراد فرموده‌اند. مصدر دیگری درباره این حدیث، پس از این خواهد آمد.
۴۸. کتاب *من لا یحضره الفقیه*، ج ۲، ص ۲۵۹، ج ۴۲۷، *المحاسن*، ج ۲، ص ۴۴۳ (باب لعق الاصابع)؛ *الخصال*، ص ۴۸۵؛ *دعائم الاسلام*، ج ۲، ص ۱۲۰؛ *مکارم الاخلاق*، ج ۱، ص ۷۵ و ۳۰۶.
۴۹. *مکارم الاخلاق*، ج ۱، ص ۲۴؛ *الجعفریات*، ص ۱۶۲؛ *دعائم الاسلام*، ج ۲، ص ۱۲۰ و نیز ر.ک: *بحار الانوار*، ج ۳۳، ص ۴۹۶، ج ۶۶ ص ۴۰۵ و ۴۰۶؛ *وسائل الشیعة*، ج ۲۴، ص ۳۷۱، *ابواب آداب المائدة*، باب ۶۷.
۵۰. *مکارم الاخلاق*، ج ۱، ص ۳۱۴، ج ۱۰۰۲ / ۳۷.
۵۱. *لسان العرب*، ج ۱۰، ص ۳۳۰.
۵۲. *نهج البلاغه*، خ ۷۳ (صبحی صالح)؛ ج ۷۲ (ابن ابی الحدید)؛ خ ۶۹ (عبده).
۵۳. *اختیار مصباح السالکین*، ص ۱۸۱؛ *بہج الصباغة*، ج ۵، ص ۶۰۲ (و نیز ج ۱۰، ص ۱۸۷)؛ *پیام امام*، ج ۲، ص ۲۰۶؛ *تصنیف نهج البلاغه*، ص ۳۶۸؛ *شرح نهج البلاغه* ابن ابی الحدید، ج ۶ ص ۱۴۶؛ *شرح نهج البلاغه* ابن میثم بحرانی، ج ۲، ص ۲۰۳؛ *شرح عبده بر نهج البلاغه*، ج ۱، ص ۱۲۰؛ *بحار الانوار*، ج ۳۲، ص ۲۳۵؛ *تفسیر کثر الدقائق*، ج ۶ ص ۲۶۲.
۵۴. *نهج البلاغه*، کتاب ۲۹.

ابن ابی الحدید در توضیح این عبارت گوید:

كلعة لاقع مثل يضرب للشیء الحقیق التافه و یروی بضم اللام و هی ما تأخذہ الملعقة.<sup>۵۵</sup>

نظیر این عبارت در کلام دیگر شارحان نهج البلاغه هم دیده می شود.<sup>۵۶</sup>

روایات دیگری هم که این واژه را در برداشت، تأییدگر این معنا بود؛ از جمله در حدیثی می خوانیم:

فالبویل الطویل لمن باع ثواب معاده بلعقة لم تبق، و بلعسة لم تدم.<sup>۵۷</sup>

و یا در روایت دیگر، در وصف دنیای بی ارزش ظالمان اهل بیت می خوانیم:

و هل هی الا كلعة الأكل و مذاقة الشارب و خفقة الوسنان، ثم تلزمهم المعرات خزیاً فی الدنیا و یوم القیامة یردون الی اشد العذاب؟<sup>۵۸</sup>

با این همه، هنوز لطافت کلام امام علیه السلام به درستی درک نشده بود تا به سرچشمه حدیث فوق برخورد شد.

### سرچشمه حدیث

در خطبه ای از نهج البلاغه در مذمت دنیا آمده است:

قد تصافیتم علی رفض الأجل و حب العاجل و صار دین احدکم لعقة علی لسانه.<sup>۵۹</sup>

ابن ابی الحدید در توضیح این روایت آورده که فرزددق این سخن را از حضرت گرفته و هنگامی که از عراق آمده و حسین بن علی از وی از مردمان پرسید، در پاسخ گفت:

اما قلوبهم فمعك، و اما سیوفهم فملیک، و الدین لعقة علی السنتهم، فاذا امتحصوا قلّ الدیانون.<sup>۶۰</sup>

در این سخن خلطی رخ داده و سخن فرزددق با سخن امام علیه السلام در هم آمیخته است. در کشف الغمّه به نقل از فرزددق گوید:

حسین علیه السلام در هنگام بازگشتم از کوفه با من ملاقات کرد و گفت: ای ابا فراس، در پشت سرت چه خبر است؟ گفتم: راست بگویم؟ گفت: راستی را خواهانم. گفتم: «اما القلوب فمعك، اما

۵۵. شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۴.

۵۶. اختیار مصباح السالکین، ص ۵۰۲؛ حدائق الحقائق، ج ۲، ص ۴۴۷؛ شرح نهج البلاغه ابن میثم، ج ۴، ص ۴۴۸؛ شرح عبده بر نهج البلاغه، ج ۳، ص ۴۱ (التشبیه فی السهولة و سرعة الانتباه) و...

۵۷. الکافی، ج ۸، ص ۴۲، ج ۸ (و به نقل از آن در بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۳۶) و نیز ر.ک: اعلام الدین، ص ۲۲۰؛ مجموعه ورام، ج ۲، ص ۴۶.

۵۸. الکافی، ج ۸، ص ۳۰؛ مجموعه ورام، ج ۲، ص ۴۱ (و نیز ر.ک: بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۲۳۰).

۵۹. نهج البلاغه، خ ۱۱۳ (صبحی صالح)؛ خ ۱۱۲ (ابن ابی الحدید فیض الاسلام و مؤسسه نشر اسلامی)؛ خ ۱۰۹ (عبده)، و نیز در غرر الحکم، ص ۱۲۳ با عبارت «قد صار دین احدکم...» قطعهای از روایت آمده است.

۶۰. شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۲۴۹.

السيف فمع بنى أمية، و النصر من عند الله، گفت: ما اراك الا صدقت، الناس عبيد المال، و الدين لعق على الستهم يحوطونه ما درت به معائشهم، فاذا محصوا بالبلاء قلّ الديانون»<sup>۶۱</sup>.

با وجود این خلط، سخن ابن ابی الحدید در وجه جالبی برای فهم حدیث حضرت سیدالشهداء علیه السلام گشود. با شناخت سرچشمه این حدیث، گفتار شارحان کلام علوی علیه السلام<sup>۶۲</sup> - که بسیار بیشتر از شارحان کلام سایر معصومان علیهم السلام هستند - شرحی بر حدیث حضرت سیدالشهداء علیه السلام ارائه می‌دهد. ما در اینجا به نقل کلام ابن ابی الحدید و اشاره‌ای گذرا به کلام سایر شارحان بسنده می‌کنیم: وی می‌گوید:

اصل اللعقة شیء قليل يؤخذ بالمعقة من الاناء يصف دينهم بالنزارة و القلة كتلك اللعقة و لم يقنع بان جملة لعقة حتى جعله على الستهم فقط ای ليس فی قلوبهم.<sup>۶۳</sup>

از این سخن برمی‌آید که: اولاً، دین مردمان اندک و ناچیز است و ثانیاً، تنها بر سر زبان‌هایشان جاری است و به دل‌هایشان راه نیافته است. به نکته دوم، در کلام شارحان دیگر نیز اشارت رفته است.<sup>۶۴</sup> در اینجا باید یادآور شویم که ممکن است تشبیه به جهت قلت، تنها در واژه لعقة (با تاء) باشد و نه در لعق (بدون تاء)؛ با این بیان که تاء لعقة، تاء وحدت گرفته شده، که نشانگر اندکی این فعل است.<sup>۶۵</sup> لذا این احتمال وجود دارد که در اصل کلام حضرت سیدالشهداء نیز «لعقة» به جای لعق بوده است. در پاره‌ای مصادر نیز کلام آن حضرت به این شکل نقل شده است.

### تذکر دو تحریف در متن احادیث

در متن کلام حضرت سیدالشهداء، در برخی کتب، به جای لعق، لغو دیده می‌شود که بی‌تردید، محرف است.<sup>۶۶</sup> در سخن حضرت مولا نیز در برخی مصادر، «صاردين» به «صادرين» تحریف شده است.<sup>۶۷</sup> لذا برای یافتن روایات مشابه باید احتمال تحریف را از نظر نینداخت و به یک شکل جستجو بسنده نکرد.

۶۱ کشف الغمة، ج ۲، ص ۳۲، و به نقل از آن در بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۵، ح ۹۶ با تحریف لعق بلغو. در مصادر دیگری هم مضمون کلام فرزدي به نقل از او (الارشاد، ج ۲، ص ۱۶۶/انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۶۵؛ تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۹۶؛ کشف الغمة، ج ۲، ص ۴۲؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۹۲) یا با نسبت به دیگران (الفتوح ابن اعثم، ج ۵، ص ۷۷؛ دلائل الامامة، ص ۱۸۲؛ رک: موسوعة كلمات الامام الحسين علیه السلام، ص ۳۳۶-۳۳۸ و نیز ص ۳۳۸. شبیه این کلام از امام حسن علیه السلام در وصف اهل کوفه وارد شده است: ان قلوبهم معنا و ان سيوفهم لمشهورة علينا. (الاحتجاج، ج ۲، ص ۷۲ و به نقل از آن در بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۴۷، ح ۱۴).  
۶۲ اختیار مصباح السالكين، ص ۲۶۸.

۶۳ شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۲۴۹ و نیز رک: شرح غرر الحکم خوانساری، ج ۴، ص ۴۸۲.

۶۴ توضیح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۱۳؛ شرح عبده بر نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۲۱؛ منهاج البراعة راوندی، ج ۲، ص ۹؛ شرح ابن میثم بر نهج البلاغه، ج ۲، ص ۹۲ (و به نقل از آن در منهاج البراعة خویی، ج ۸، ص ۴۹)، در اختیار مصباح السالكين دو نکته را در یک عبارت درج کرده است: اللعقة بالضم اسم لما يأخذه الملققة مما يعلق واستعارة للاقرار بالدين باللسان و كنز به عن ضعفه و قلتها، و نیز رک: اعيان الشیعة، ج ۸، ص ۴۴۴.

۶۵ در کتاب العين، ج ۱، ص ۱۶۷ آمده: «اللّعقة: اسم ما تأخذه بالملققة و اللعقة: المرة الواحدة، فالمضموم اسم و المفتوح فعل مثل اللعقة و اللعقة و الاكلة و الاكلة» و در لسان العرب، ج ۱۰، ص ۳۳۰ می‌خوانیم: «اللّعقة: مالمعق... و اللعقة الشيء القليل منه».

۶۶ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۵، ح ۹۶ به نقل از کشف الغمة، ولی در کشف الغمة، ج ۲، ص ۳۲ عبارت به شکل صحیح آمده است.

## روایتی دیگر مشابه دو روایت گذشته

در *ارشاد القلوب*، در باب ۱۶، فی اشراف الساعة و احوالها، در ضمن خطبه‌ای از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مذمت مردمان آخرالزمان آمده:

و دین احدهم لعقة علی لسانه ان اعطی شکر و ان منع کفر.

اگر بتوان به این نقل مرسل و منفرد اعتماد کرد،<sup>۶۸</sup> سرچشمه اصلی حدیث حضرت سیدالشهداء و حضرت امیر علیه السلام را باید در این خطبه نبوی صلی الله علیه و آله جستجو کرد. به هر حال، این حدیث را باید در کنار دو روایت دیگر مد نظر داشت.

## نتیجه

۱. بهره‌گیری از احادیث مشابه برای دریافت متن دقیق و بی‌تحریف حدیث و فهم درست از آن باید در سایه شناخت سرچشمه حدیث صورت گیرد.
۲. چنانچه سرچشمه حدیث قرآن کریم باشد - که متن بدون تحریف آن در اختیار ماست - تفاوت حدیث با سرچشمه آن می‌تواند ناشی از تحریف حدیث باشد. البته ممکن است حدیث با قرائتی غیرمتداول از قرآن سازگار باشد، لذا نباید هر تفاوتی را در حدیث به حساب تحریف آن نهاد.
۳. ممکن است در حدیث، با الهام از آیه قرآن، عبارتی ذکر شده باشد که با آیه قرآن متفاوت باشد؛ مثلاً واژه‌ای از آیه کاسته یا بدان افزوده باشد. این تفاوت‌ها نیز نشانگر تحریف حدیث نیست و تنها در صورت غریب متن حدیث و ناسازگاری عبارت آن با سیاق حدیث و نکاتی از این دست می‌توان با توجه به تفاوت حدیث با سرچشمه آن به محرف بودن حدیث اندیشید.
۴. برای یافتن سرچشمه حدیث و دستیابی به احادیث هم‌خانواده با سرچشمه واحد باید نقطه اشتراک احتمالی احادیث را یافت و با جستجوی این نقطه اشتراک، با عنایت به تفاوت‌های احتمالی سایر عناصر موجود در کلام، به نتیجه نزدیک شد.
۵. با توجه به احتمال تحریف در برخی از احادیث هم‌خانواده، نباید تنها به یک جستجو اکتفا کرد. احتمال افزایش یا کاهش در برخی احادیث هم اقتضا می‌کند که از جستجوهای متنوع بهره گرفت.
۶. تشبیه احادیث مشابه به احادیث هم‌خانواده، این پیام را دربر دارد که چه بسا یک خانواده بزرگ حدیثی خود از خانواده‌های کوچک‌تری تشکیل شده باشد که هر یک سرچشمه خاص خود را داشته باشند، ولی تمامی این خانواده‌ها از یک اصل واحد و سرچشمه اصلی نشأت گرفته باشد.
۷. ارتباط احادیث با یکدیگر چه بسا در یک شبکه خلاصه نگردد، بلکه شبکه‌های مختلف ارتباطی بین احادیث وجود داشته باشد که نوعی ارتباط زنجیره‌ای آنها را به یکدیگر متصل سازد. لذا ارائه یک نمودار برای خانواده احادیث میسر نیست، بلکه باید برای هر نوع شبکه نموداری ارائه داد که قهرأ این نمودارها با یکدیگر تداخل دارند.

۶۷ از جمله: مجمع البحرین، ج ۴، ص ۱۲۴؛ الامثال و الحكم، ص ۲۴۶.

۶۸ ر.ک: بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۲۶ و ۶۵



۸. یافتن سرچشمه احادیث، همچون یافتن احادیث مشابه این فایده را دارد که شرح و توضیح یک حدیث به احادیث مشابه آن نیز انتقال می‌یابد، بویژه اگر سرچشمه حدیث آیات قرآن و کلام حضرت امیر علیه السلام باشد که در تفسیر و توضیح آن کتاب‌های بسیار نگارش یافته است.
۹. در کشف سرچشمه احادیث به میزان اعتبار منابع حدیثی باید توجه کافی داشت.

### کتابنامه

- اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)، محمد بن الحسن الطوسی (م ۴۶۰ق)، تحقیق: السید مهدی الرجائی، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۴ق.
- الاحتجاج علی أهل اللجاج، أحمد بن علی الطبرسی (م ۲۰مق)، تحقیق: إبراهيم البهادری و محمد هادی به، تهران: دارالأسوة، ۱۴۱۳ق.
- الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محمد بن محمد بن نعمان العکبری البغدادی (الشیخ المفید) (م ۴۱۳ق)، تحقیق: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۳ق.
- الإقبال بالأعمال الحسنة فی ما یعمل مرّة فی السنة، علی بن موسی الحلی (السید ابن طاووس) (م ۶۶۴ق)، تحقیق: جواد القیومی، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۱۴ق.
- الأمالی، محمد بن علی ابن بابویه القمی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ق)، تحقیق: مؤسسة البعثة، قم: مؤسسة البعثة، ۱۴۰۷ق.
- أنساب الأشراف، أحمد بن یحیی البلاذری (م ۲۷۹ق)، تحقیق: سهیل زکّار و ریاض زکلی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
- بحار الأنوار، محمد باقر بن محمد تقی المجلسی (العلامة المجلسی) (م ۱۱۱۱ق)، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- البلد الأمين والدرع الحصین، إبراهيم بن زین الدین الکفعمی (م ۹۰۵ق).
- تاریخ الطبری (تاریخ الأمم والملوک)، محمد بن جریر الطبری (م ۳۱۰ق)، تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهيم، مصر: دارالمعارف.
- تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، الحسن بن علی الحرّانی (ابن شعبة) (م ۳۸۱ق)، تحقیق: علی أكبر الغفّاری، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
- تصنیف نهج البلاغة، لیبیب بیضون، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۸ق.
- تهذیب التهذیب، أحمد بن علی العسقلانی (ابن حجر) (م ۸۵۲ق)، تحقیق: خلیل مأمون شیخا وعمر السلاخی وعلی بن مسعود، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۷ق.
- جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع، علی بن موسی الحلی (ابن طاووس) (م ۶۶۴ق)، تحقیق: جواد القیومی، قم: مؤسسة الأفاق، ۱۳۷۱ش.

- خصائص الأئمة عليهم السلام (خصائص أمير المؤمنين عليه السلام)، محمد بن الحسين الموسوي (الشريف الرضى) (م ٤٠٦ق)، تحقيق: محمد هادي الأميني، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية التابع للحضرة الرضوية المقدسة، ١٤٠٦ق.
- الخصال، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ق)، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤١٤ق.
- دعائم الإسلام وذكر الحلال والحرام والقضايا والأحكام، النعمان بن محمد التميمي المغربي (م ٣٦٣ق)، تحقيق: أصف بن علي أصغر فيضي، مصر: دارالمعارف، ١٣٨٩ق.
- دلائل الإمامة، محمد بن جرير الطبري (م ٣١٠ق)، تحقيق: مؤسسة البعثة، قم: مؤسسة البعثة، ١٤١٣ق.
- رجال العلامة الحلي (خلاصة الأقوال)، حسين بن يوسف الحلي (العلامة) (٧٢٦ق)، قم: منشورات الشريف الرضى.
- الشافي في الإمامة، علي بن الحسين الموسوي (السيد المرتضى) (م ٣٣٦ق)، تحقيق: عبدالزهراء الحسيني الخطيب، تهران: مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام، ١٤١٠ق.
- شرح نهج البلاغة، عبد الحميد بن محمد المعتزلي (ابن أبي الحديد) (م ٥٥٦ق)، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، بيروت: دار إحياء التراث، ١٣٨٧ق.
- الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف، علي بن موسى الحلي (ابن طاووس) (م ٦٦٤ق)، قم: مطبعة الخيام، ١٤٠٠ق.
- عيون أخبار الرضا عليه السلام، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ق)، تحقيق: السيد مهدي الحسيني اللاجوردی، تهران: منشورات جهانب.
- الغارات، إبراهيم بن محمد (ابن هلال الثقفي) (م ٢٨٣ق)، تحقيق: مير جلال الدين المحمّد الأرموي، تهران: انجمن آثار ملی، ١٣٩٥ق.
- الغيبة، محمد بن إبراهيم الكاتب النعماني (م ٣٥٠ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، تهران: مكتبة الصدوق.
- الفتوح، أحمد بن أعثم الكوفي (م ٣١٤ق)، تحقيق: علي شيرى، بيروت: دارالأضواء، ١٤١١ق.
- الكافي، محمد بن يعقوب الكليني الرازي (م ٣٣٩ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، بيروت: دارصعب ودارالتعارف، ١٤٠١ق.
- كامل الزيارات، جعفر بن محمد بن قولويه (ابن قولويه) (م ٣٦٧ق)، تحقيق: جواد القيومي، قم: نشر الفقاهة، ١٤١٧ق.
- كتاب من لا يحضره الفقيه، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
- كشف الغمّة في معرفة الأئمة، علي بن عيسى الإربلي (م ٤٨٧ق)، تصحيح: السيد هاشم الرسولي المحلاتي، بيروت: دارالكتاب، ١٤٠١ق.

- كمال الدين وتمام النعمة، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤٠٥ق.
- مجمع البحرين، فخر الدين الطريحي (م ١٠٨٥ق)، تحقيق: السيد أحمد الحسيني، تهران: مكتبة نشر الثقافة الإسلامية، ١٤٠٨ق.
- المحاسن، أحمد بن محمد البرقي (م ٢٨٠ق)، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، قم: المجمع العالمي لأهل البيت عليه السلام، ١٤١٣ق.
- مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر بن محمد تقى المجلسي (العلامة المجلسي) (م ١١١١ق)، تحقيق: السيد هاشم الرسولى المحلاتي، تهران: دارالكتب الإسلامية، ١٣٧٠ش.
- المنزاة، محمد بن محمد بن نعمان العكبرى البغدادى (الشيخ المفيد) (م ٤١٣ق)، تحقيق: محمد باقر الأبطحي، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، ١٤١٣ق.
- مصباح المتهجد، محمد بن الحسن الطوسى (الشيخ الطوسى) (م ٤٦٠ق)، تحقيق: على أصغر مرواريد، بيروت: مؤسسة فقه الشيعة، ١٤١١ق.
- المصباح فى الأدعية والصلوات والزيارات، إبراهيم بن على العاملى الكفعمى (م ٩٠٠ق)، قم: منشورات الشريف الرضى.
- معانى الأخبار، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م ٣٨١ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٣٦١ش.
- مقتل الحسين عليه السلام، موفق بن أحمد المكي الخوارزمي (م ٥٦٨ق)، تحقيق: محمد السماوي، قم: مكتبة المفيد.
- مكارم الأخلاق، الفضل بن الحسن الطبرسي (م ٥٤٨ق)، تحقيق: علاء آل جعفر، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤١٤ق.
- مناقب آل أبي طالب (المناقب لابن شهر آشوب)، محمد بن علي المازندراني (ابن شهر آشوب) (م ٥٨٨ق)، قم: المطبعة العلمية.
- منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة، حبيب الله بن محمد هاشم الخوئي (م ١٣٣٤ق)، بيروت: مؤسسة الوفاء، ١٤٠٣ق.
- نهج البلاغة، محمد بن الحسين الموسوي (الشريف الرضى) (م ٤٠٦ق)، تصحيح: محمد عبده، بيروت: مؤسسة الأعلمى.
- الوافى، محمد محسن بن شاه مرتضى (الفيض الكاشانى) (م ١٠٩١ق)، تحقيق: ضياء الدين حسين اصفهاني، اصفهان: مكتبة الإمام أمير المؤمنين عليه السلام، ١٤٠٦ق.
- وسائل الشيعة، محمد بن الحسن الحر العاملى (م ١١٠٤ق)، تحقيق: مؤسس آل البيت عليه السلام، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ١٤٠٩ق.